

بررسی روند توسعه شهری طی شهرسازی ایلخانی با تحلیلی بر توسعه شهری تبریز*

دکتر اصغر محمدمرادی^۱، مهندس ساناز جعفرپور ناصر^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۳/۱۲

چکیده:

شهرسازی دوره ایلخانی بنابر شرایط سیاسی، اجتماعی، مذهبی و فرهنگی به وجود آمده طی حملات مغولان، یکی از تأثیرگذارترین نمونه های تاریخ شهرسازی ایران را شامل می شود. این الگو در بستر ساختار سلجوقی شهرها شکل گرفته و با رشدی سریع، سیر تکاملی خود را به سوی آفرینش کلان شهری طراحی شده طی کرده است. این تحقیق سعی در بررسی محورهای توسعه شهری ایلخانی بنابر عوامل تأثیرگذار بر آن را دارد. بدین منظور علاوه بر تعیین روند تکامل جایگاه شهر در میان ایلخانان، با مطالعه موردی توسعه شهری تبریز، طی مطالعات کتابخانه ای و با رویکردی تحلیلی در صدد نظام مند کردن سیاستهای اعمال شده جهت رشد و توسعه شهرها در دوره ایلخانی است. تبریز شرایط لازم جهت انتخاب شدن به عنوان پایتختی ایلخانی را از نظر اقلیم، اقتصاد و موقعیت استراتژیکی دارا بوده و زمینه های توسعه یکباره شهر با توجه به موارد مذکور فراهم بوده است. بدین ترتیب با بررسی ساختار شهر تبریز پیش از ایلخانان بر اساس اسناد و مدارک موجود و تطبیق داده های به دست آمده، و قرار دادن لایه ی دوره ایلخانی بر روی آن، ساختار شهر ایلخانی جهت مطالعه سیاست ها و الگوهای توسعه شهری حاصل گشته است. آنچه در این تحقیق مهم می نماید، بازخوانی سازمان فضائی شهر تبریز در طی دوره های تاریخی پیش از ایلخانان و ایلخانان می باشد که به نحوی رشد و توسعه شهر در طی قرون میانه را آشکار ساخته است. این امر علاوه بر آن که عاملی مهم جهت شناخت نظام تاریخی ساختار شهر تلقی می گردد با تطبیق فضاها و شبکه های ارتباطی بر جای مانده از آنها در کالبد معاصر شهر، طی برنامه ریزی های کلان شهری نیز از دید تقویت هویت تاریخی بافت شهر راه گشاست.

واژه های کلیدی:

شهرسازی ایلخانی، توسعه شهری، بازآفرینی باروهای رودی و غازانی تبریز، مجموعه های موقوفه.

۱. استاد گروه مرمت و احیای ابنیه تاریخی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، m_moradi@iust.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه مرمت و احیای ابنیه تاریخی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، s.jafarpour.n@gmail.com

۱. مقدمه

را در برداشت. با تشکیل حکومت ایلخانان در چنین شرایطی همراه با سقوط بغداد و نفوذ دیوان سالاران ایرانی، زمینه ایجاد جریان هائی تأثیرگذار بر روند شهرسازی ایران شکل گرفت.

۱-۲. جریان های سیاسی

در قشر فاتحان مغول و عمده اشرافیت محلی متحد، دو گرایش سیاسی مهم بود: طرفداران گرایش اول، ستاینندگان شیوه ی زندگی صحراگردی، مخالف زندگی ثابت، کشاورزی و شهرها (عمل به یاسای چنگیزی^۱)، گرایش دوم مورد حمایت اشرافیت ایرانی، بخشی از روحانیان مسلمان و شمار وسیعی از بازرگانان، با هدف ایجاد قدرت مرکزی مقتدر در شخص ایلخان، پذیرفتن سنن ایرانی کهن در مورد شکل فتودالی متمرکز حکومت، و نیز لگام زدن بر تمایلات خودسرانه و تجزیه طلبانه اشرافیت قبیله ای صحراگردان بود. با حکومت غازان خان (حک: ۷۰۳-۶۹۴ ه.ق) و وزارت رشیدالدین فضل الله همدانی (۷۱۸-۶۹۷ ه.ق) گرایش دوم در اولوس ایلخانان غالب گردید. در دوره اصلاحات غازان، قوانینی وضع گردید که در جهت کمک به احیای زندگی شهری بود، (پطروشفسکی، ۱۳۶۶: ۷-۴۶۴). دستگاه ایلخانی با انتخاب شهرهایی همچون مراغه، تبریز و سلطانیه، تحرک سیاسی و سکونت در بیلاق و قشلاق را در پیش گرفته و اردوی ایلخان و سایر بزرگان به مراتب اهمیتی بیشتر از شهرها داشتند. نگرش ایلخانان به شهر اگر چه از بعد نظری از دیدگاه کلی مغولان ناشی می شد؛ اما از منظر عملی، از همان آغاز عصر قآن ها، نمودهایی از توجه مغولان به شهر و شهرسازی ملاحظه می شود، (اشپولر، ۱۳۸۶: ۴۴۶). از آنجاکه ساخت سیاسی ایران عهد ایلخانی تلفیقی از ساختار امپراتوری مغول (اشرافیت نظامی) و سنن اجرائی ایرانی بود، آن چه به امور شهرها و اداره اجرای احکام بر آنها مربوط می شد، از سوی دیوان سالاران ایرانی صورت می پذیرفت، در نتیجه شهرها بطور مستقیم رویاروی رفتار مغولان نبودند، (رضوی، ۱۳۸۷: ۸).

۲-۲. جریان های اجتماعی

در ایران قرون وسطی، در شهر چهار مرکز اصلی حیات اجتماعی وجود داشت: ۱. شهرستان و محلات اعیان و اکابر؛ ۲. مدرسه ها، خانقاه های دراویش؛ ۳. مرکز بازار و کاروانسراها؛ ۴. محلات پیشه وران و اصناف آنان، بازارچه ها با خرده فروشی. غالباً، پیشه وران یک صنف در محله ی واحدی زندگی می کردند، (پطروشفسکی، ۱۳۶۶: ۵-۴۸۴). طبقات اجتماعی شهری این زمان در دو طیف کلی طبقات فرادست و فرودست قابل طرح اند. در اخلاق ناصری جامعه به چهار طبقه: اهل شمشیر، اهل قلم، اهل معامله و اهل مزارعه تقسیم شده

با توجه به آن که شهرسازی دوره ایلخانی یکی از مهمترین و با ارزش ترین نمونه های تاریخ شهرسازی ایران می باشد، مطالعات بسیار اندکی در جهت شناخت ابعاد و زمینه های رشد و توسعه آن، با وجود کثرت مدارک مکتوب و منقول، صورت پذیرفته است. به دلیل توجه خاص به ویژگی های معماری این دوره و تمرکز بر مطالعه ابنیه بر جای مانده از آن، اکثراً جنبه های عملکردی و ساختاری بناها مورد بررسی قرار گرفته و به ندرت به نحوه ی استقرار ابنیه در نظام سازمان دهنده بافت شهر، پرداخته شده است. این پژوهش در صدد بررسی و شناسائی عوامل مؤثر و زمینه ساز در تعریف مبانی مرتبط با جایگاه شهر در دوره ایلخانی، و تعیین معیارهای دخیل در سیاست گذاری های اعمال شده جهت رشد و توسعه شهر است. بدین منظور ابتدا اوضاع سیاسی، اجتماعی، مذهبی، اقتصادی و فرهنگی دخیل در تحولات شهری این دوره، بررسی و با تحلیلی تاریخی بر چگونگی احداث ابنیه و امکانه ی شهری، دیدگاه های هر دوره، از نظر ساختاری طبقه بندی می گردد. جهت ارزیابی روند شکل گیری مبانی توسعه شهری، نیاز به تحلیل ساخت و سازهای صورت گرفته در محدوده پیرامونی شهرهاست. با پایتخت شدن تبریز در دوره اقتدار ایلخانان، و دارا بودن پتانسیل های لازم جهت اعمال سیاست های توسعه گرایانه حکومت، این شهر بهترین نمونه جهت بررسی روند توسعه شهری در دوره ایلخانی است. از این رو شناخت ساختار شهر قدیم و فضاهای شهری واقع در بافت تاریخی آن مهم می باشد. جهت نیل به اهداف پژوهش، از روش تحقیق های کتابخانه ای، تحلیل محتوا و مطالعه موردی استفاده شده است. ابزارهای گردآوری اطلاعات توسط اسناد و مدارکی چون کتب مورخین، وقفنامه های موجود، کتب و مقالات محققین معاصر و نقشه های تاریخی می باشد. روش پردازش و تفسیر اطلاعات تطبیقی و مقایسه ای بوده و نحوه ارائه داده ها به صورت ترسیم نقشه های شهری مربوط به هر یک از دوره های مورد مطالعه است. چنین تحقیقی به دلیل از بین رفتن بسیاری از ساختارهای شهری مورد مطالعه و تنها اکتفا به توصیفات مورخین، عدم انجام کاوش های علمی و تحلیلی در سایت های تاریخی مربوطه، محدودیت هائی را در جمع آوری اطلاعات موجب گشته است.

۲. جریان های تأثیرگذار بر تحولات شهرسازی دوره ایلخانان

پس از فتوحات چنگیز، گستره جغرافیایی قلمرو مغولان از شرق چین تا آسیای صغیر را شامل می شد. این امر سهولت برقراری ارتباط میان شرق و غرب، گسترش علم و تجارت، و مهاجرت توده ها

۴-۲. جریان های اقتصادی

در این دوره با برقراری ثبات سیاسی، شهرهائی که بر سر مسیرهای بازرگانی بین المللی واقع بودند و به عنوان بازار کالاهای گوناگون فعالیت می کردند، از رشد اقتصادی خوبی برخوردار گشتند (پطروشفسکی، ۱۳۶۶: ۴۹۰). در این راستا از مهمترین اقدامات صورت گرفته جهت رونق بخشیدن به تجارت بین المللی و بین شهری، ایجاد امنیت در راه ها و توسعه تسهیلات بین راهی بوده است. با توجه به توسعه فضای بازار و نقش کلیدی آن در اقتصاد شهر، در طراحی شهرک هائی مانند غازانیه و ربع رشیدی نیز با وجود فاصله اندک از شهر تجاری تبریز، راسته های بازار و کاروانسراهای متعددی، گنجانده شده بود. به دلیل ماهیت نظامی حکومت ایلخانان و بیلاق و قشلاق سران حکومتی، «اردوی» ایلخان و سایر بزرگان حکومتی موقعیت پایتخت را تحت تأثیر قرار می داد. اردو که در حکم شهری سیار بود، در رشد اقتصادی مناطق سر راه و فعال شدن اردو بازارها نقش مهمی بر عهده داشته است، (رضوی، ۱۳۸۷: ۱۳-۸). در این دوره مالیات های کمرشکن یکی از موانع احیای زندگی شهرنشینی بود که طی اصلاحات غازانی پاره ای بهبودی اقتصادی، خصوصاً در زمینه کشاورزی حاصل گردید، (پطروشفسکی، ۱۳۶۶: ۹-۴۶۷). از طرفی وقف منبع اصلی درآمد شیوخ دراویش و فقها را تشکیل می داد، و متولیان املاک موقوفه از پرداخت مالیات معاف بودند، (همان: ۴۹۰). از طرفی نیاز نهاد وقف به عامل تجارت، گسترش مجموعه های ابواب البرّ بر سر راه های تجاری منتهی به شهر را موجب شد.

۴-۵. جریان های فرهنگی

مانند بسیاری از سلسله های ایرانی، ایلخانیان نیز صحراگردانی بودند که سالانه ما بین اقامتگاه های زمستانی و تابستانی کوچ می کردند. آنها معمولاً زمستان را در اقلیم های گرمی مانند بغداد، و تابستان را در دشت های آذربایجان می گذراندند. ملترمین سلطنتی، خیمه - شهر^۴ عظیمی را تشکیل می دادند. به طور مثال تخت جلوس هلاکو در نزدیکی بلخ، درون خیمه ای بوده که با هزار میخ طلا به زمین متصل می گشت. یا قصر تابستانی غازان واقع در اوجان آذربایجان، خیمه ای زربافت بوده شامل بارگاه و فضاهای جانبی که برپا کردنش یک ماه به طول می انجامید (239 : 1993 Blair). بنابر نگاره های بر جای مانده و توصیفات مورخین می-توان چنین استنباط کرد که اشراف نظامی در محوطه باغ های تیول خویش خیمه هائی عظیم برمی افراشتند. در دوره ایلخانان، مغولان بنابر عمل به یاسای چنگیزی، از سکونت در شهر ممانعت کرده و همواره شهرهایی واقع در میان مراتع را جهت اطراق انتخاب می

است، (رضوی، ۱۳۸۷: ۱۷). در طبقه فرادست، اشرافیت نظامی و ولایتی محلی از اهل شمشیر، و دیوان سالاران و طبقه منفصل روحانیان و فقها از اهل قلم محسوب می شدند، (پطروشفسکی، ۱۳۶۶: ۴۸۷). روابط متقابل اصناف و متصوفه، و تأثیرپذیری سازمان های پیشه وری از سلسله مراتب تشکیلات خانقاهی به ویژه آنچه با عنوان مجامع «فتوت^۲» و «اخی» معروف شده است، بهترین نمونه های امور اجتماعی این دوره را رقم زده است. سابقه دیرپای متصوفه در ایران و رویکرد مردمی تر آن، به همراه بی توجهی به تعلقات دنیوی، موجب شده بود اهل خانقاه مورد توجه قرار گیرند و به یکی از مهم ترین نیروهای اثرگذار اجتماعی تبدیل شوند، (بیانی، ۱۳۸۱: ۶۷۳/۲-۶۵۰). با حمله مغول، خانقاه ها که در پهنه حکومتی سلاجقه گسترش یافته بودند، به ملجائی جهت پناه گرفتن آوارگان تبدیل شدند. بنابر پایگاه مردمی خانقاه ها و توجه دیوان سالاران، امرای مغول نیز به واسطه ذهنیت قبلی که از شمنیزم^۳ داشتند بسیار مجذوب کرامات متصوفه شدند. در نتیجه آداب خانقاهی توسعه یافت و با تکمیل فضاهای جانبی چون مقبره، زاویه، رباط و محل اطعام به مجموعه ای مذهبی - خدماتی با رویکردی اجتماعی سوق یافت.

۴-۳. جریان های مذهبی

دوره مغول در تاریخ دینی ایران، اهمیت ویژه ای دارد. نخست، این دوره شاهد پر و بال گرفتن مذهب شیعه به عنوان پی آمد سقوط خلافت عباسی (۵۶۵ق/ ۱۲۵۸م) بود، و این امر با تخفیف متناسب اختلاف میان شیعه و سنی، ایجاد تمایلات شیعی در میان متصوفه و گرایش به تشیع میانه رو در محافل سنی همراه بود. همچنین در تصوف، گرایش های عقیدتی پیشرفت شایان توجهی نمود. از این گذشته پاره ای از جنبش های صوفی و شیعی همراه با تشکیلات نظامی شکل گرفتند که پیشگامان جنبش صفوی بودند، (باسانی، ۱۳۶۶: ۵۲۰). با سقوط خلافت عباسی صوفیان خلاء حاصل از نبود مرکزیت سیاسی - مذهبی جهان اسلام را پر کردند و با تشکیلات خاص خود، پاسخ گوی حوائج مردمی بودند، (رضوی، ۱۳۸۷: ۱۶). تا قبل از دوره مسلمانی ایلخانان، مذاهب بودائی، مسیحیت و یهودیت، بنابر تساهل عقیدتی در حال گسترش بود. در دوره ارغون شاهد ورود کاهنان و ترویج آئین بودائی هستیم. با به تخت نشستن غازان خان در سال ۶۹۴ ه.ق. و گرویدن وی به دین اسلام جهت تثبیت حکومت ایلخانان در منطقه، نخستین یرلیغ و فرمانی که صادر کرد، دایر بر وجوب قبول اسلام برای مغول و اجرای احکام آن بود، (اشپولر، ۱۳۸۶: ۱۹۱).

در سال ۶۷۴ ه.ق. شروع به ساخت قصری مجلل می کند که تکمیل آن تا عهد ارغون به طول می انجامد. نمونه ای دیگر از توجه آباقا به امور شهری، اعزام وزیرش صاحب دیوان شمس الدین محمد جوینی به آسیای صغیر (۶۷۶ ه.ق.)، جهت تعمیر شهرهای آن سامان پس از تخریب حاصل طی جنگ با مملوک مصر است، (رضوی، ۱۳۸۷: ۱۱). وی طی دوران وزارتش در دربار هلاکو، آباقا و احمد تگودار، از ۶۶۱ تا ۶۸۳ ه.ق. مجموعه هائی عام المنفعه در اکثر ممالک ایلخانی تأسیس و دیوانی جداگانه جهت رسیدگی بدان ها ترتیب داده بود (آیتی، ۱۳۸۳: ۴۰). از آن جمله مدرسه، بیمارستان و خانقاهی در اصفهان (ابومجد تبریزی، ۱۳۸۱: ۴۱۴) و مجموعه مدرسه جفت منار^۵ شهر سیواس (۶۶۸ ه.ق. / ۱۲۷۱ م.) که در ضلع شمالی ارگ شهر واقع بوده است (Sinclair, 1989: II, 303). در دوران حکومت احمد تگودار (حک: ۶۸۳-۶۸۰ ه.ق.) که دارای گرایش هائی به مذهب اسلام بود نیز توجه به عمران و آبادی شهرها به چشم می خورد.

از زمان ارغون خان (حک: ۶۹۰-۶۸۳ ه.ق.) به شکل سازمان یافته- تری با مسئله شهرسازی برخورد می شود و عملیات ساختمانی از محدوده مجموعه سازی یا تعمیرات، خارج شده و به طراحی شهر می انجامد. ساخت شهرک ارغونیه (۶۸۹ ه.ق.) در غرب تبریز به موضع شم واقع در باغ عادلیه را می توان نخستین گام ایلخانان در جهت تثبیت گرایش های سیاسی و مذهبی با رویکردی مدنی قلمداد کرد. اقدام مهم دیگر ارغون در زمینه شهرسازی، بنای اولیه سلطانیه در چمنزاری به نام شروپاز است که مغولان آن را قنقروالانگ می خواندند. دو عامل مهم قرار گرفتن در مسیر تجاری و برخوردار بودن از مراتع کافی، در انتخاب محل ارغونیه و سلطانیه، به عنوان شهرهای سلطنتی ایلخانان حائز اهمیت می باشد. از فعالیت های عمرانی گیخاتو (حک: ۶۹۴-۶۹۰ ه.ق.) ساخت شهر بزرگی به نام «قتلغ بالیغ» در ساحل رود کور است، (فضل الله همدانی، ۱۳۷۳: ۱/۸۳۴)، همچنین تملک و تکمیل مدرسه جفت منار ارزروم^۶ باقی مانده از دوره سلاجقه روم، بدست پادشاه خاتون همسر گیخاتو (77: 1984 Blair).

با روی کار آمدن غازان خان (حک: ۷۰۳-۶۹۴ ه.ق.) و گرویدن وی به آیین اسلام، رویکردی نو از نظر محتوایی، فضای حاکم بر شهرسازی ایلخانان را فرامی گیرد. در این دوره دین رسمی حکومت در راستای دین مردم قرار گرفته و از این جهت شهرسازی ایلخانی علاوه بر وجه سیاسی، تجاری و فرهنگی خود اهمیت مذهبی نیز می یابد. بارزترین نمونه چنین اندیشه ای ساخت شهرک غازانیه (۷۰۲-۶۹۶ ه.ق.) در غرب تبریز به موضع شنب، روی ویرانه های ارغونیه است. غازان خان پس از دستور به تخریب معابد بودائی ارغونیه، و نیز زیارت عتبات، ساخت مجموعه عام المنفعه عظیمی را به مرکزیت

نمودند. همچنین بنابر آداب و سنن، و خوی طبیعت گرای شان، زندگی در فضای باز را بر زندگی در فضای متراکم شهر ترجیح داده، احداث و اقامت در باغ ها عمومیت یافت. از این رو با رونق یافتن ساخت فضاهای برونگرایی چون کوشک از جانب ایلخانان و دیوان سالارشان، شهر به سمت اراضی خارج بارو توسعه یافت.

۳. سیر تکاملی جایگاه شهر در عهد ایلخانان

بنابر دیدگاه فرهنگی و سنتی ایلخانان، مرکز قدرت حکومت در اردو مستقر بود، و بر اساس ماهیت نظامی اردو، جهت حفظ قدرت به دو دلیل کوچ لازم می گشت: یکی به دلیل معیشتی و دیگری سرکشی به قلمرو تحت سلطه. هنگامی که مغولان وارد مناطقی با ساختار شهرنشینی شدند، فرهنگ و سنت خود را در پیش گرفتند، و حتی تا بعد از روی آوردن به اسلام نیز به آن پایبند بودند. با این تفاوت که به مرور زمان با استقلال سیاسی ایلخانان از قآن (خان بزرگ)، احساس نیاز به یک قدرت مرکزی در قلمرو تحت سلطه شان به وجود آمد. از این رو، مسئله پایتخت که از سیاست یکجانشینی پیروی می کرد اهمیت یافت.

۳-۱. بررسی تاریخی

ایلخانان از زمان هلاکو (حک: ۶۶۳-۶۵۳ ه.ق.) با مدیریت دیوان سالاران ایرانی، جهت تثبیت موقعیت و سامان بخشیدن به مطالبات جدید حکومت، تجهیز شهرها به فضاهای خدماتی ای در قالب مجموعه های عام المنفعه وقفی شامل مدرسه، مسجد، خانقاه، دارالضیافه و دارالشفاء را در پیش گرفتند. بدین ترتیب پس از سقوط قطب سیاسی و علمی جهان اسلام، بغداد، در سال ۶۵۷ ه.ق.، خواجه نصیرالدین طوسی (۶۷۲-۵۹۷ ه.ق.) احداث مجموعه ای دانشگاهی را در شهر مراغه آغاز، و دانشمندانی از چین تا روم را در آنجا گرد آورد. بطوریکه این مکان منشاء تحولاتی عظیم در عرصه های علمی و هنری، معروف به مکتب مراغه گشت. ادیبانی چون شمس الدین محمد جوینی سمت صاحب دیوانی و برادرش عطامک جوینی، حکومت عراق را عهده دار گشتند، آنها در احیا و آبادانی شهرهای خبوشان و بغداد به دستور هلاکو نقش مهمی داشتند. هلاکوخان به عنوان یک پادشاه و ناجی، و نه به عنوان یک فاتح، پس از غارتگری های پیشینیان اش، مورد پذیرش قرار گرفته بود. چنانچه دهه های اولیه حکومت سلسله اش با رنسانسی در زندگی فرهنگی مردمان فلات ایران مشخص گردیده است (Lane, 2003: b. cover).

در دوره آباقاخان (حک: ۶۸۰-۶۶۳ ه.ق.) با توجه به رونق یافتن روزافزون مسیرهای تجاری غرب به شرق، پایتخت از مراغه به تبریز منتقل می گردد. آباقاخان در اقامتگاه تابستانی اش، تخت سلیمان،

برادرش دمشق خواجه (ف. ۷۲۸ ه.ق) نیز مجموعه ای عظیم در جنوب پل سنگی تبریز به نام دمشقیه برپا کرد، که پس از ازدواجش با ابوسعید در ۷۲۸ ه.ق، رونقی افزون یافت، (کربلائی، ۱۳۸۳: ۱/۵۲۳). طی این دوره احداث مجموعه های موقوفه علمی و مذهبی در شهرهای مرکزی ایران نیز گسترش یافت. ساخت مجموعه شمسیه توسط شمس الدین محمد داماد رشیدالدین در ۷۲۸ ه.ق، و مجموعه رکنیه یا وقت و ساعت توسط سیدرکن الدین قاضی در ۷۲۶ ه.ق. در یزد، مجموعه نظامیه در ۷۲۵ ه.ق. در ابرقو، مدرسه بابا قاسم در سال ۷۲۵ ه.ق. در اصفهان. (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۰۰)، از آن جمله اند.

۲-۳. بررسی ساختاری

رویه تراکم شهری در ایران به شکل ضعیفی مورد مطالعه قرار گرفته است. مسائل پایه ای همچون رابطه شهر با مناطق تابع، شرایطی که منجر به رشد یا نزول شهرها گشته، و گونه های سازمان شهری، تعریف نشده باقی مانده اند. با این حال آشکارا، توسعه یک جامعه چوپانی تحت تسلط مغولان، موجب تغییر جهتی مشهود در گونه شهری از ترکیب شهر - واحه^۷ سنتی و مرسوم به یک گونه شهر - مرتع^۸ شد، (Blair, 1986 : 139). چنین گرایشی به شهرنشینی را می توان در سه دوره بررسی کرد:

دوره اول (۶۸۳-۶۵۳ ه.ق): اهمیت اردو و کوچ نشینی، استقلال سیاسی و نیاز به قدرت مرکزی، انتخاب محلی به عنوان پایتخت بر اساس سه نقش: بازاری در منطقه ایلی (محدوده میان ییلاق و قشلاق)، موقعیت استراتژیک، و قرار گرفتن در مسیر تجاری مهم شرق - غرب (Idem:139). مهاجرت توده ها، اهمیت شهرها و توجه به بازسازی آن ها، نفوذ دیوان سالاران ایرانی در توسعه شهرها و ساخت مجموعه های عام المنفعه در جوار فضاهای مهم شهر سلجوقی مانند ارگ، میدان و بازار.

دوره دوم (۶۹۴-۶۸۳ ه.ق): دوره انتقال از رویکرد ایلی به مدنی، گرایش به ساخت شهرهای سلطنتی جهت القای قدرت مرکزی، نفوذ فرهنگ و اقتصاد مغولی در انتخاب محل پایتخت، شکل گیری شهر - مرتع ها، مثال خوب این الگوی جدید مغولی شهر سلطانیه می باشد. ارغون، به دلیل مراتع فراوان، آن محل را به عنوان پایتخت تابستانی انتخاب کرده بود، (Idem:139).

دوره سوم (۷۳۶-۶۹۴ ه.ق): اهمیت شهرسازی جهت تثبیت حکومت، گرویدن به آیین اسلام و اعلام استقلال کامل از قآن، ساخت دو گونه شهری یکی با الگوی شهر - مرتع توسط سلاطین ایلخانی و دیگری الگوی شهر - واحه ی مرسوم توسط دیوانیان، شکل گیری سازمان فضائی شهر به مرکزیت مجموعه های موقوفه عظیمی به نام ابواب البرّ با محوریت آرامگاه، جایگزینی ابواب البرّ

مقبره خویش در آن محل پی می افکند. از این زمان مجموعه های «ابواب البرّ» مرکزیت شهرهای جدیدالتأسیس حاکمان و دیوان سالاران ایلخانی، چون غازانیه، سلطانیه و ربع رشیدی را تشکیل می دهند. بنابر وقفنامه های موجود و نقل مورخین، ابواب البرّ، مجموعه هائی شامل: مسجد، مدرسه، خانقاه، دارالضیافه، دارالشفاء، دارالایتام، بیت الکتب، و حمام بوده اند، (فضل الله همدانی، ۱۹۴۰: ۲۰۸؛ همو، ۱۳۵۶: ۴۴-۴۱).

در زمان الجایتو (حک: ۷۱۶-۷۰۳ ه.ق) دوره جدیدی از فعالیت های عمرانی در سطح کلان آغاز می گردد که در نتیجه ثبات سیاسی و اقتصادی کشور طی اصلاحات غازانی و رویکرد آرمانگرایانه حاکمان و دیوان سالاران به طراحی شهرهائی اقتدارگراست. الجایتو در سال ۷۰۴ ه.ق با تفکر ساخت پایتختی به مثابه قبله العالم، فعالیت های ساختمانی سلطانیه را از سر می گیرد. وی دستور ساخت ابواب البرّ عظیمی به مرکزیت آرامگاه ائمه یا گنبد (۷۱۳-۷۰۷ ه.ق) را داد که مجموعه مذهبی - حکومتی محصور درون باروی ارغونی بود. علاوه بر ابواب البرّ، وی قصر و مسجدجامعی باشکوه، درون باروی داخلی سلطانیه بنا کرد (Blair, 1986 : 141)، و در سال ۷۱۳ ه.ق/۱۳۱۳ م. پایتخت از تبریز به سلطانیه انتقال یافت. رشیدالدین فضل الله همدانی طی وزارت (۷۱۸-۶۹۷ ه.ق) در سال ۷۰۷ ه.ق. به ساخت شهرکی به نام رشیدیه یا ربع رشیدی در جانب شرقی تبریز به موضع ویلانکوه روی تپه ای مشرف بر شهر، اقدام نمود. بنابر وقفنامه ربع رشیدی، این شهر دارای بارویی داخلی، محیط بر ابواب البرّی به محوریت مقبره اش و بارویی بیرونی بر گرد شارستان، شامل محلات اعیان و بازار بوده است، خارج بارو نیز باغات و روستاها و کارگاه ها واقع بوده اند (مشکور، ۱۳۵۲: ۵۳۱). رشیدالدین آرمانشهر خود را بر پایه وقف به نحوی طراحی می کند تا علاوه بر گردش داخلی سرمایه، همواره از اقتصادی پایدار نیز بهرمنند باشد. وزیر الجایتو و ابوسعید، خواجه تاج الدین علیشاه گیلانی (۷۲۴-۷۱۱ ه.ق.) نیز به سال ۷۱۱ ه.ق. در تبریز، بیرون محله نارمیان (مهادمهین) مسجدجامع عظیمی به همراه مدرسه و زاویه احداث نمود، (حمدالله مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۲۳؛ ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۲۸۳/۱).

در دوره زمامداری ابوسعید (حک: ۷۳۶-۷۱۶ ه.ق.) عمده فعالیت های عمرانی در جهت تکمیل ابنیه شهر سلطانیه بود. وی قصر و مجموعه آرامگاهی مجلی در شرو باز در نزدیکی سلطانیه بنا نمود (Blair, 1986: 142). در این دوره اشراف حکومتی و دیوانیان سهم بسزائی در احداث ابنیه موقوفه داشتند. وزیر غیاث الدین محمد (۷۳۶-۷۱۷ ه.ق) پسر رشیدالدین در محله خیابان تبریز مجموعه موقوفه غیاثیه را بنا کرد (کربلائی، ۱۳۸۳: ۳۵۷/۱). بغداد خاتون دختر شیخ حسن امیر چوپان و همسر شیخ حسن جلایر (حک: ۷۵۷-۷۴۰ ه.ق) به اهتمام

کردن محدوده بارو و محل دروازه های آن مهم می باشد.

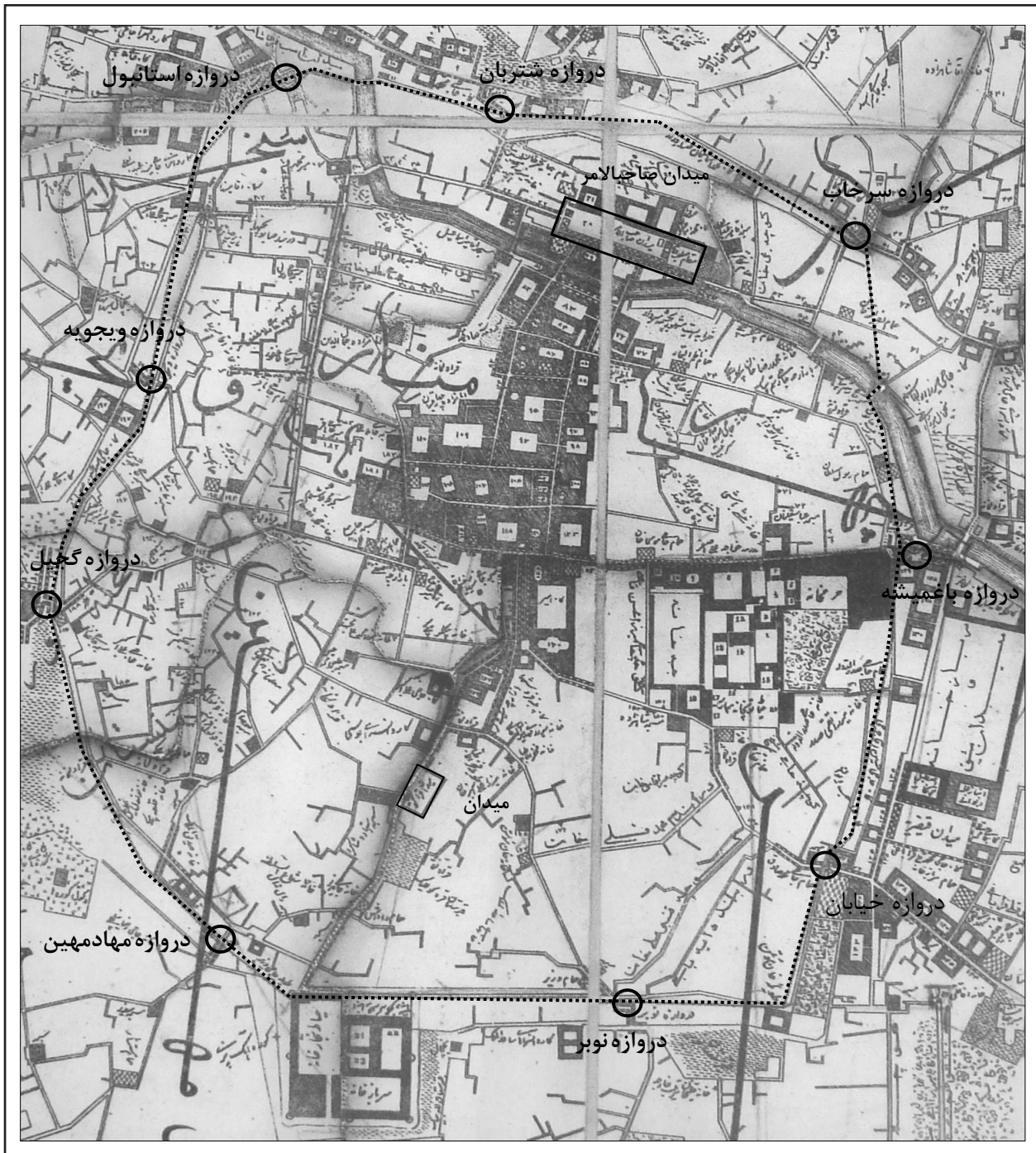
۴-۱. محدوده باروی کهن شهر تبریز

ناصرخسرو با حضور در سال ۴۳۸ ه.ق. در تبریز طول و عرض باروی شهر را هر یک هزار و چهارصد گام، نوشته است، (قبادیانی، ۱۳۶۳: ۸)، که در صورت مربع بودن بارو، محیط آن در حدود ۵۶۰۰ گام بوده است. حمدالله مستوفی نیز در سال ۷۴۰ ه.ق. طول باروی قدیم شهر را ۶۰۰۰ هزار گام آورده است، (۱۳۸۱: ۱۲۲). با توجه به آنکه پس از بازسازی و احداث بارو در دوره روادیان، سخنی مبنی بر تجدید آن تا دوره ایلخانان ذکر نگشته می توان باروی روادی را همان باروی قدیم شهر در دوره ایلخانان دانست. در بسیاری از اسناد و منابع تاریخی می توان اشاراتی در باب دروازه های تاریخی تبریز بدست آورد. از آن جمله در نزهة القلوب حمدالله مستوفی کامل تر از سایر منابع، به باروی قدیمی شهر و تعداد دروازه های آن اشاره داشته و می نویسد: «دور باروی تبریز شش هزار گام بوده است و ده دروازه دارد: ری و قلعه و سنجانان و طاق و درجو [و رجوا] و سرد و در دستی شاه [سی شاه] و نارمیان و نویر و موکله»، (همان: ۱۲۲). از آنجاکه در نقشه دارالسلطنه قراجه داغی، ترسیم شده به سال ۱۲۹۷ ه.ق.، تعداد نه دروازه بر محدوده باروی نجفقلی خانی - احداث شده در سال ۱۱۹۴ ه.ق. پس از زلزله مهیب ۱۱۹۳ ه.ق. - نشان داده شده، و طول محیط آن در حدود ۵۰۰۰ متر نیز با داده های تاریخی همخوانی دارد، این احتمال که محل دروازه های باروی نجفقلی خانی نیز با محل دروازه های باروی قدیم شهر مطابقت نماید، وجود دارد. با انطباق اطلاعات آمده در وقفنامه ربع رشیدی (۷۰۹ ه.ق.)، وقفنامه شیخیه کججیه (۷۸۲ ه.ق.)، وقفنامه مظفریه (۸۶۹ ه.ق.)، روضات الجنان و جنات الجنان (۹۷۵ ه.ق.)، و روضه اطهار (۱۰۱۱ ه.ق.)، به ترتیب دروازه ری/ جدید (دروازه باغمیشه)، دروازه قلعه/ آهنین در (دروازه سرخاب)، دروازه سنجانان (دروازه استانبول)، دروازه طاق (دروازه شتربان)، دروازه ورجو (دروازه ویجویه)، دروازه سرد (دروازه گجیل)، دروازه نارمیان (دروازه مهادمهین)، دروازه نویر (دروازه نویر)، دروازه موکله/ ماهانقلق (دروازه خیابان) می باشد. در این میان دروازه باب اعلی که در سمت مقابل دروازه باغمیشه بر سر گذر شش گیلان واقع بوده، به علت نزدیکی به دو دروازه دیگر هنگام بازسازی بارو در سال ۱۱۹۴ ه.ق. حذف شده است (جعفرپور، ۱۳۸۹: ۱۰-۹)، (تصویر ۱).

بجای ارگ در کالبد ساختاری شهر، ساخت شهرک پیرامون شهر قدیم، گسترش محلات جدید بسوی باغات و اراضی خارج باروی شهر (جوار دروازه ها)، نقش مجموعه های عام المنفعه به عنوان مراکز رفاهی - آموزشی محلات و توسعه فضاهای باز شهری در اطراف آنها، ایجاد تسهیلات شهری جهت رفاه ساکنین، توجه به رعایت بهداشت عمومی؛ بطور مثال ساخت حمام در دروازه های اصلی بارو.

۴. ساختار شهر تبریز تا پیش از دوره ایلخانان

با توجه به آنکه بسیاری از مورخین عصر ایلخانی، عمارت شهر تبریز را در سال ۱۷۵ ه.ق. و به زبیده خاتون همسر هارون الرشید (خلافت: ۱۹۳-۱۷۰ ه.ق) نسبت داده اند، بلاذری جغرافیدان سده سوم هجری درباره تبریز چنین آورده: «اما تبریز، رواد ازدی^۱ [در سال ۱۴۱ ه.ق.] و سپس وجناء بن رواد به این شهر وارد شدند. وجناء و برادرانش در آنجا عماراتی ساختند، وی بر شهر حصار کشید و همراهانش در آن بلد منزل گزیدند»، (۱۳۳۷: ۴۶۵). بدین ترتیب استقرار ملازمان خلیفه در تبریز پیش از حضور زبیده خاتون صورت گرفته است. در سال ۲۴۴ ه.ق در زمان خلافت متوکل عباسی (۲۴۷-۲۳۲ ه.ق) شهر بر اثر زلزله ای مهیب ویران می گردد، اما متوکل امر به آبادانی مجدد آن می کند (کربلائی، ۱۳۸۳: ۱۶/۱). چنانچه ابن مسکویه طی حوادث سال ۳۳۰ ه.ق. و نبردهای مرزبان سالاری با دیسم، به نقش پر رنگ تبریز در منطقه و استحکام یافتن آن به برج و بارو اشاره دارد، (۱۳۶۹: ۶۲/۶). با به قدرت رسیدن روادیان (۴۶۵-۳۵۰ ه.ق.) در آذربایجان و ازان و انتخاب تبریز به عنوان مقر فرماندهی، به سبب امنیت، شهر رونق یافته و پرجمعیت می گردد. اما بار دیگر در زمان خلافت القائم بامرالله (۴۶۷-۴۲۲ ه.ق) در سال ۴۳۴ ه.ق زلزله ای سخت روی داده، نیمی از شهر خراب گشته و نزدیک به چهل هزار تن هلاک می شوند، (قبادیانی، ۱۳۶۳: ۹). پس از وقوع زلزله، خلیفه به ملازم خود ابومنصور وهسودان روادی (حک: ۴۵۰-۴۱۰ ه.ق.) امر به آبادی شهر کرده، وی نیز در همان سال از موضع مسجد جامع شروع به عمارت شهر می کند، (کربلائی، ۱۳۸۳: ۱۷/۱-۱۶). در دوره سلاجقه بزرگ (حک: ۵۴۱-۴۶۲ ه.ق) و سپس روی کار آمدن اتابکان آذربایجان (حک: ۶۲۲-۵۴۱ ه.ق.)، با مرکزیت یافتن تبریز در منطقه، روند رشد و توسعه شهر به سمت احداث محلاتی جدید در بیرون بارو بوده است. آنچه مورخان در این دوره در باب شهر تبریز بطور مکرر اشاره نموده اند شامل رونق تجاری شهر و تعدد بازارهای آن، باروئی محکم به گرد شهر، جوی هائی روان در داخل شهر، و باغاتی بر پیرامون آن می باشد، (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۸۴؛ مشکور، ۱۳۵۲، ۴۲۳). جهت پی بردن به ساختار شهر تبریز قبل از دوره ایلخانان، مشخص



تصویر ۱. بخشی از نقشه دارالسلطنه تبریز، ترسیم توسط سرهنگ قراجه داغی، به سال ۱۲۹۷ ه.ق.، در این تصویر محدوده مربوط به باروی نجفقلی خانی و محل دروازه های نه گانه آن توسط نقطه چین مشخص شده، همچنین محدوده میدان کهن و صاحب الامر نیز تعیین شده اند.

مأخذ: تهرانی و دیگران، ۱۳۸۵: ۴۵.

۴-۲. فضاهای شهری بخش کهن شهر تبریز

از منابع تاریخی به میدان کهن یا عتیق تبریز اشاره شده است. از آن جمله حافظ ابرو در وصف ابواب البرّ علائیه (استاد و شاگرد) می

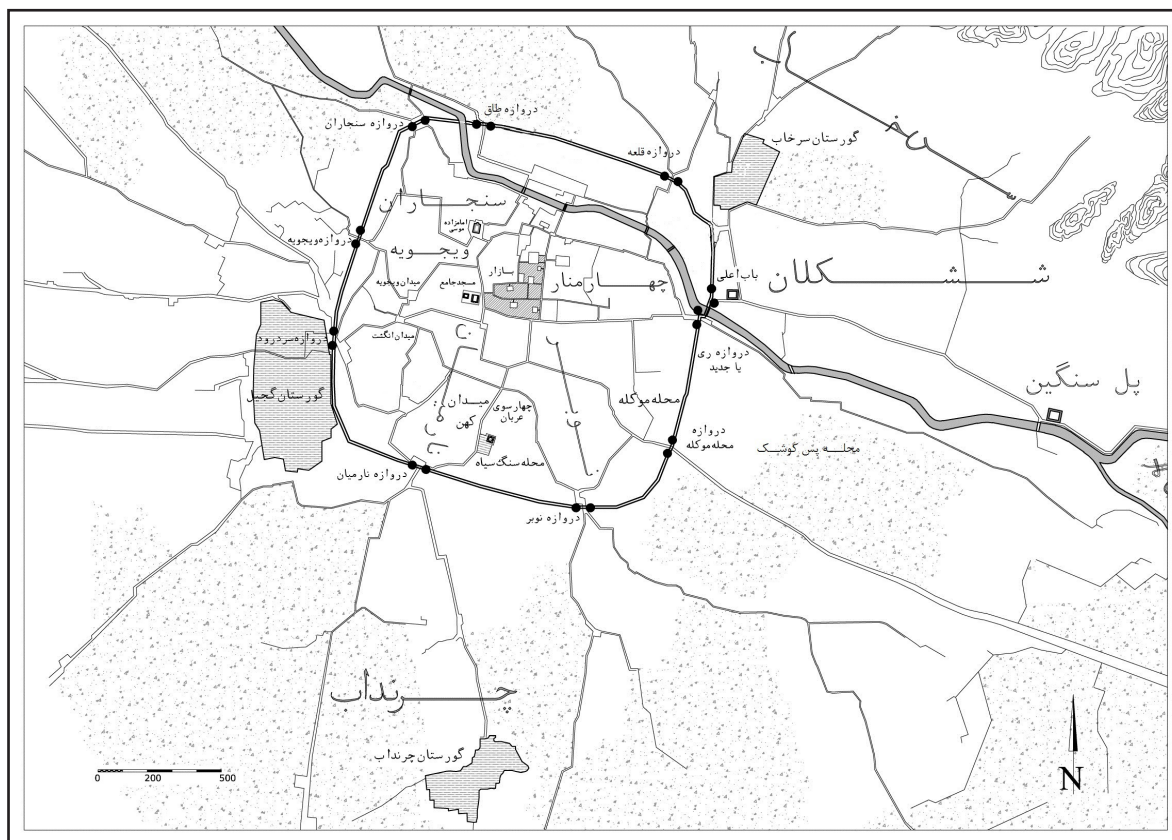
اطلاعاتی که بتوان توسط آن ها به خصوصیات فضاهای شهری بخش کهن شهر پی برد بسیار اندک می باشد. با این حال در برخی

که به شهیدگاه مشهور است هفت تن از امامزاده ها در همان مسجد به درجه شهادت رسیده اند و این قضیه کمال شهرت دارد و در همان موضع سردابی است که در آن مدفونند»، (۱۳۷۱: ۳۶). از آنجا که در منابع تاریخی به ابنیه عام المنفعه متعددی از آن وزیران و حاکمان در محدوده میدان اشاره شده است، می توان عرصه میدان کهن را مرکز تاریخی استقرار نهادهای اجتماعی و سیاسی شهر قلمداد نمود. نکته قابل توجه آنکه بسیاری از مورخین اجرای حکم اعدام را نیز در میدان کهن آورده اند (فضل الله همدانی، ۱۹۴۰: ۱۱۷؛ کربلائی، ۱۳۸۳: ۳۸۹/۱).

با توجه به آنکه کربلائی مسجد کهنه فروشان را در تیزمزد، و سر بازار تیزمزد را محل ازدحام خلق خوانده، (۱۷۶/۱ و ۳۹/۲). و از طرفی مسجد شاه طهماسب در شرق میدان صاحب آباد، در محل مسجد کهنه فروشان برپا گشته، می توان چنین نتیجه گرفت که موضع میدان صاحب آباد به علت مجاورت با دروازه های قلعه و باب عالی، از گذشته محل تجمع مردم بوده است (تصویر ۲).

نویسد: «[شیخ حسن کوچک] عمارتی عالی از مسجد و مدرسه و خانقاه و غیر آن بر میدان کهن تبریز بنیاد نهاد و به اندک زمانی [۷۴۳ ه.ق.] به اتمام رسانید»، (۱۳۸۰: ۱۲۴/۱). با توجه به نقشه دارالسلطنه قراجه داغی، در ضلع شرقی مجموعه استاد شاگرد، فضای میدانی با نام قراکولیک قابل شناسایی است که از جنوب به قبرستانی منتهی می باشد. از این رو میدان کهن از سمت شمال به راسته های بازار و مسجد جامع، و از جنوب توسط گذری اصلی به دروازه مهادهمین راه داشته است، (تصویر ۱).

کربلائی می نویسد: «شیخ نجم الدین (و. ۶۱۹ ه.ق.) جهت درس خواندن در خدمت امام حفده (و. ۵۷۱ ه.ق.) و نظر یافتن از حضرت بابا فرج (و. ۵۶۸ ه.ق.)، در تبریز در خانقاه زاهدیه در سر میدان عتیق فرود آمد»، (۱۳۸۳: ۳۲۳/۲). ابن فوطی نیز در سال ۶۶۴ ه.ق. از دارالضیافه ای از آن صاحب دیوان شمس الدین محمد جوینی (و. ۶۸۳ ه.ق.) در مقابل مسجدی در محله میدان دیدن کرده است، (۱۳۷۴: ۱۷۵/۳). و حشری آورده: «در میدان تبریز مسجدی است



تصویر ۲. طرح شماتیکی از محدوده باروی رودی به عنوان باروی تاریخی شهر تبریز تا پیش از دوره ایلخانان، نام محلات و دروازه های دهگانه بارو همراه با مکان استقرار میدان های شهری ترسیم گشته است. مأخذ: جعفرپور، ۱۳۸۹: ۱۱.

ربع رشیدی (۷۰۷.ق.ه) با گونه شهر - تپه به موضع ویلانکوه، نمونه هائی از توسعه شهری بر پایه شهرکسازی با دو الگوی ساختاری متفاوت است. در این بین، احداث مجموعه های موقوفه ای چون دومنار توسط وزیر خواجه سعدالدین ساوجی (۷۱۱-۶۹۷.ق) در محله سرخاب و مجموعه امیر صدرالدین حمزه معروف به سید حمزه، دفتردار الجایتو، در درآمد سرخاب، (کربلائی، ۱۳۸۳: ۱۴۱-۲۱۳)، مجموعه علیشاه جیلانی بیرون از دروازه مهادمهین (۷۲۴-۷۱۱.ق.ه)، مجموعه غیاثیه (۷۲۰.ق.ه) در مسیر دروازه موکله/ خیابان و مجموعه دمشقیه (۳۶-۷۲۶.ق) توسط بغداد خاتون در جنوب پل سنگی بر مسیر دروازه ری، نمونه هائی از هسته های مرکزی شکل دهنده محلات پیرامونی شهر قدیم، بنابر توسعه شهری محله محور اند. پس از مرگ ابوسعید، در تبریز چوپانیان قدرت را در دست گرفته و سلطان سلیمان (حک: ۷۴۲-۷۳۹.ق) از اولاد هلاکو را به عنوان ایلخان برگزیدند. به منظور نمایش قدرت حاکمه، امیر علاءالدین شیخ حسن کوچک مجموعه ای به نام علائیه/ سلیمانیه معروف به استاد شاگرد (۷۴۳.ق)، در جوار فضای شهری مهمی چون میدان کهن تبریز، احداث نمود(تصویر ۲).

۵-۱. محدوده باروی غازانی

یکی از مهمترین اقدامات صورت گرفته جهت توسعه آتی شهر تبریز، کشیدن حصار جدید بنابر طرح جامع توسعه شهری در عهد غازان بود. در نزهة القلوب آمده: «غازان خان آن را بارویی کشید چنان که تمامت باغات و دیه ها و ولیان کوه و سنجاران نیز داخل آن بارو بود، جهت وفات او [۷۰۳.ق.ه]. تمام ناکرده بماند. و دور باروی غازانی بیست و پنج هزار گام است و شش دروازه دارد: اوچان و اهر و شروان و سردرود و شام و سراورود. در تبریز در زیر شهر به موضعی که شام می خوانند، خارج باروی غازانی، غازان خان شهرچه برآورده است [...] و در بالای شهر وزیر سعید خواجه رشیدالدین طاب ثراه به موضع ولیان کوه داخل باروی غازان شهرچه دیگر ساخته و آن را ربع رشیدی نام کرده و درو عمارات فراوان و عالی برآورده»، (حمدالله مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۲۳). و صاف الحضرة چنین آورده: «در شهر سنه اثنتین و سبعمائه [۷۰۲.ق.ه] یرلیغ شد تا دارالملک تبریز را از خالص اموال خانی حاوطی رکین و بارویی حصین سازند [...] مدار آن دایره بر چرنداب و سرخاب و بیلان کوه و تمامت بساتین و باغات محیط باید، عرض دیوار ده گز و مساحت طول آن پنجاه و چهار هزار خطوه است که تقریباً چهار فرسنگ و نیم باشد و از شش جهات بارو پنج دروازه عالی به مثابت حواس خمس هر یک بر سمت شارع ملکی چون بغداد و عراق [عجم] و خراسان و اران و روم مرفوع گشت و هشت دروازه کوچک دیگر بر مابین دروب پنجگانه جهت قرب مسافت صادر و وارد»، (۱۳۸۸:

۵. رشد و توسعه شهر تبریز طی شهرسازی ایلخانی

پایتخت شدن تبریز در عهد ایلخانان، آن را به مرکز سیاسی، تجاری و مذهبی قلمرو وسیعی تبدیل کرد. بنابر نقل حمدالله مستوفی: «چون در عهد مغول آن شهر دارالملک گشت کثرت خلائق در آنجا جمع شدند و بر بیرون شهر عمارات کردند تا به مرتبه که بر هر دروازه زیادت از اصل شهر آبادانی پیدا شد»، (۱۳۸۱: ۱۲۲). به دلیل مهاجرت توده ها و اسکان آنها در حومه شهر یکی از سیاستهای وزرای ایلخانی جهت سامان دهی نیازهای رفاهی و آموزشی ساکنین، ساخت مجموعه هائی عام المنفعه در بیرون شهر کهن بود. این امر در تضاد با شهرسازی سلجوقی، به نمودی از تسلط و اقتدار حکومت ایلخانی بدل گردید. از این رو اولین عمارات در جوار مراکز سیاسی شهر سلجوقی برپا شدند. احداث دارالضیافه ای توسط صاحب دیوان در جوار میدان کهن تبریز، و دو باغ بنام صاحب آباد در شمال و جنوب شهر، (ابومجدتبریزی، ۱۳۸۱: ۴۱۴)؛ و یا ساخت عمارتی در جوار ارگ شهر سیواس بر محدوده قصری سلجوقی در ۶۶۸.ق.ه، نیز، نشانگر سیاستی مشترک در انتخاب مکانی جهت نمایش سلطه حکومت ایلخانی است (Wolper, 1995: 43). در این دوره خانقاه ها و زوایائی توسط اشراف محلی به عنوان جایگزینی برای مدرسه جهت ارائه خدمات مذهبی، آموزشی و اجتماعی به بازه ی گسترده ای از لایه های اجتماعی وقف شدند (Mekking, 2009 : 116). تبریز در عهد ارغون شاهد شکل گیری نخستین الگوی شهرسازی ایلخانان می باشد، که بنابر فرهنگ ایلی پیرو ساختار شهر- مرتع است. انتخاب موضع شنب در غرب تبریز جهت ساخت ارغونیه (۶۸۹.ق.ه)، نخستین تجربه توسعه شهری ایلخانی بر مبنای شهرکسازی است. رشیدالدین در جامع التواریخ آورده: «[ارغون خان] در محل شم تبریز شهری عظیم بنا نهاد و در آنجا خانه های عالی اساس افکند، او بفرمود هر آفریده که خواهد در آنجا خانه سازد. آن شهر را ارغونیه نام نهاد. این ساختمان با معابدی که برای بت پرستان [بودائیان] داشت و صورت خود ارغون بر دیوارهای آن نقش شده بود به دست محمود غازان ویران گشت» (مشکور، ۱۳۵۲: ۴۵۰).

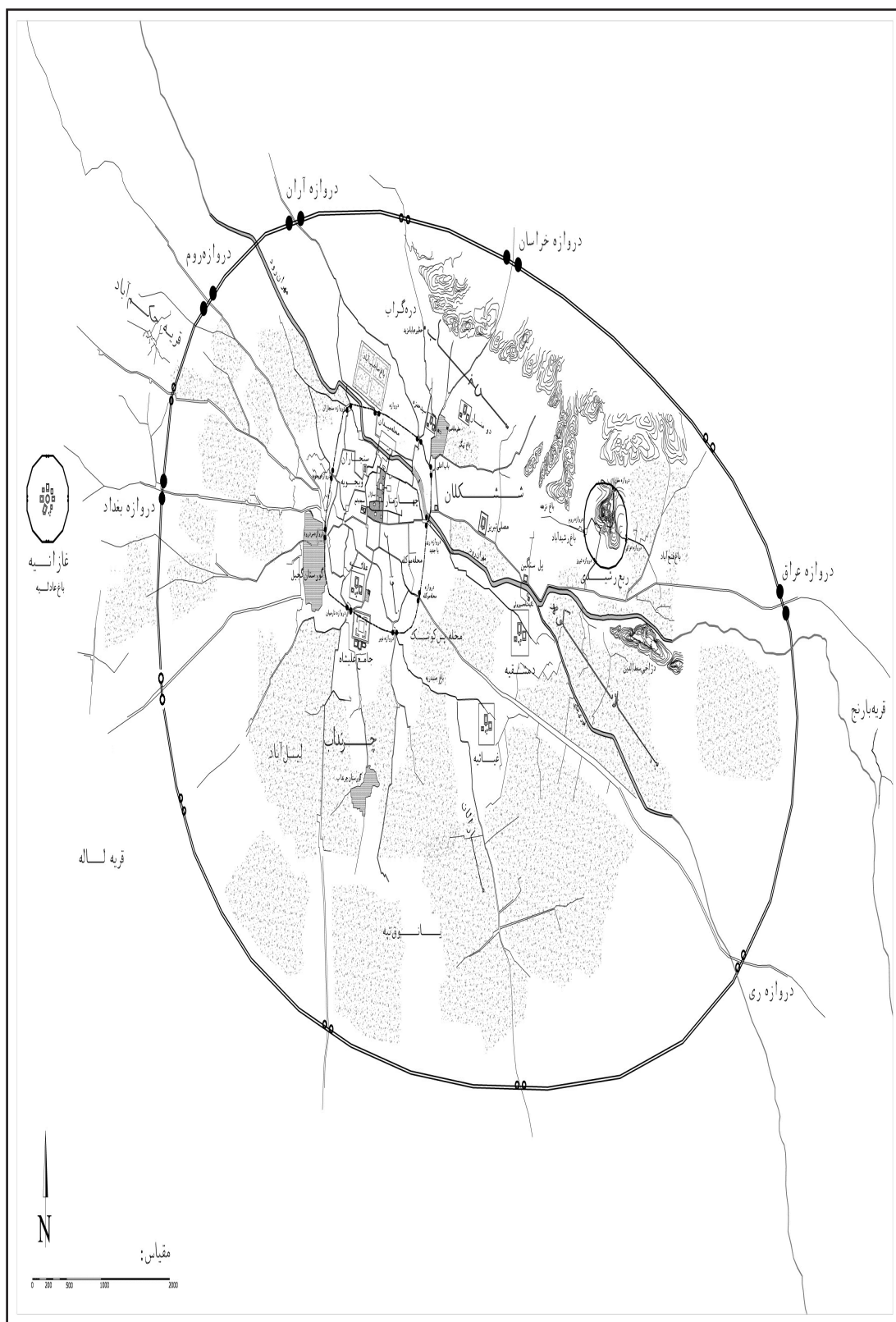
دوره غازان خان آغازگر فصلی جدید در توسعه شهری تبریز است. فضل الله همدانی کثرت جمعیت را عامل ساخت عماراتی چند طبقه، ایجاد کوچه هائی تنگ و بلند و شیوع بیماری می داند، که در نتیجه آن شهر ضایع می گردد (۱۹۴۰: ۲۵۰). از این رو بنابر کثرت جمعیت و کمبود فضا در محدوده شهر قدیم، حکومت سیاست توسعه شهر به سمت خارج بارو را در پیش می گیرد. در این راستا شاهد دو روش توسعه شهری هستیم: یکی ساخت شهرک های اقماری با باروئی جداگانه شامل محلات درونی و بیرونی، و دیگری احداث محلاتی به مرکزیت مجموعه های موقوفه در حومه شهر قدیم. ساخت شهرک غازانیه (۷۰۲-۶۹۷.ق) با گونه شهر - مرتع به موضع شنب، و شهرک

در عدم پذیرش شهر بوده است. به طور مشخص غازانیه به عنوان شهر- مرتع حکومتی جدا از تبریز عمل می کرده است. استقرار این دو شهرچه در جوار دروازه های مهمی چون روم، بغداد و عراق، که بر مسیر جاده های تجاری بین قاره ای واقع اند، نشانگر توجه به عامل تجارت در رونق شهرهاست. چنانچه -رشیدالدین می نویسد: «غازان خان در محله شم نیز شهری بزرگتر از محوطه قدیم تبریز واقع در غرب آنجا، موسوم به غازانیه بناکرد و دستور داد تا تاجران که معمولاً از روم و فرنگ می آمدند، کالاهای خود را در بارانداز آنجا عرضه کنند»، (همان: ۱۳۷۳ / ۲). ابن بطوطه نیز چنین آورده: «پس از دو روز راه پیمایی به شهر تبریز رسیدیم و در خارج شهر در محلی موسوم به شام منزل کردیم. قبر غازان پادشاه عراق در این محل است. [...] فردای آن روز از دروازه بغداد وارد شهر شدیم»، (۱۳۷۶: ۲۸۳/۲). از طرفی در وقفنامه ربع رشیدی نیز به قیصریه، ۲۴ باب کاروانسرا و ۱۵۰۰ باب دکان در شهرستان رشیدی اشاره شده که محدوده بازار آن از دروازه عراق رشیدیه تا دروازه تبریز امتداد داشته است (سعیدنیا، ۱۳۸۱: ۳۷). به این ترتیب می توان شمائی از ساختار شهر تبریز در دوره ایلخانی بدست آورد (تصویر ۳).

۳/۳۸۵). در این باب رشیدالدین فضل الله همدانی نیز می نویسد: «و شهر تبریز که این زمان دارالملک است، بارویی مختصر داشت و آن نیز مندرس گشته، و بیرون شهر خانه ها و عمارات بسیارست، فرمود [غازان خان] که چگونه شاید که شهری چندین هزار آدمی آنجا ساکن اند و دارالملک است، آن را بارویی نسازند. [...] در وقتی که شهر تبریز را بنیاد می نهادند چه گمان بردند که حال، آن به جایی رسد که چندین هزار خانه بیرون بارو بسازند و درین اندک زمان که مشاهده کرده شد این همه خلق زیادت گشتند و این عمارات بیرونی ساختند. اگر برین قیاس، کثرت پیدا شود امیدست که خلق این شهر عظیم بسیار گردند، همت بلند می باید داشت و این بارو را چنان کشیدن که تمامت باغات مردم با خانه ها به هم، داخل محوط افتد تا باغات خراب نباید کرد و تمامت را قیمت زیادت شود و ما را ثواب باشد، و نیز ممکن که به یمن توفیق الهی به مرور ایام چندان جمعیت و ازدحام پدید آید که تمام این محوط را خانه ها سازند و به هم پیوندند و جایگاه بر مردم نباشد»، (۱۹۴۰: ۵-۲۰۴).

بدین ترتیب باروی غازانی شهر تبریز با محیطی به طول ۲۵ الی ۲۶ کیلومتر^{۱۰} حداقل دارای پنج دروازه اصلی با نام های عراق/ اوجان، خراسان/ سراورود، اران/ شروان، روم/ شام و بغداد/ سردرود بوده است. شاردن طول شهر تبریز را در دوره غازان خان از شرق به غرب از تلخه رود تا آبادی بارنج آورده است (شاردن، ۱۳۴۵: ۴۱۲). در بعضی منابع به محل دروازه های باروی غازانی نیز اشاره شده است، از آن جمله در وقفنامه ربع رشیدی آمده: «فنواتی که از جانب یمین رودخانه تبریز می آیند در ممری موسوم به ممر ایمن، که آن از بالای باغچه نی کش جاری شده بر راه جاده کندرود و تا نزدیک در باغ فتح آباد و دروازه عراق و از آنجا هم بر جاده می آید تا پول سنگین»، (فضل الله همدانی، ۱۳۵۶: ۲۰۴). بنابراین حدود دروازه عراق را می توان در منتهی علیه شرقی مهران رود، در مسیر جاده اوجان تعیین کرد. محل دروازه بغداد یا سردرود در جنوب غربی بارو در امتداد راه شنب، و دروازه روم یا شام در شمال غرب بارو متصل به مسیر دروازه ویجویه، و دروازه اران مستقر در سمت شمال بارو اندکی به سمت غرب در امتداد جاده متصل به پل آجی چای در مسیر دروازه های قلعه، طاق و سنجران، و دروازه خراسان یا سراورود (سراب رود/ تلخه رود) در شمال شرق باروی غازانی در امتداد دروازه باب اعلی و جاده منتهی به تلخه رود که از میان کوه های سرخاب می گذشته، واقع بوده اند. غازان خان دستور ساخت کاروانسرا، اصطبل، حمام، بازار و کارگاهی را در کنار هر یک از دروازه های اصلی باروی جدید تبریز صادر کرده بود، (فضل الله همدانی، ۱۳۷۳: ۲/۱۳۷۵).

بنابر سخن حمدالله مستوفی، غازانیه در خارج باروی غازانی و رشیدیه در داخل بارو واقع بوده اند. به احتمال زیاد عدم استقرار شهرچه غازانیه در حریم داخلی بارو ناشی از آداب و سنن مغولان



تصویر ۳. بازآفرینی محدوده باروی غازانی و طرحی شماتیک از توسعه شهر تبریز به خارج از محدوده باروی روادی تا سال ۷۵۰ه.ق/ ۱۳۵۲م. مأخذ: جعفرپور، ۱۳۸۹: ۱۷.

۶. نتیجه گیری

قرار گرفته و به نمونه ای کامل از یک شهر توسعه یافته ایلخانی بدل گشت. با توجه به بررسی ساختار شهر تبریز در دوره پیش از ایلخانان و تعیین محدوده باروی آن به همراه فضاهای مهم شهری چون میادین، ارگ حکومتی و مسجد جامع، چگونگی روند توسعه شهر در دوره ایلخانی مشخص و محورهای سیاست های اعمال شده تعیین گشت. به این ترتیب با مهاجرت اقشار مختلف شهری و ایلی به سمت پایتخت از یک سو و استقرار اشراف سلطنتی در آن از سوئی دیگر، جهت کاهش تراکم جمعیت در محدوده شهر قدیم، در تبریز با دو سیاست توسعه شهری رو به رو هستیم: یکی احداث مجموعه- های موقوفه به عنوان هسته های خدماتی - مذهبی محلات حومه شهر قدیم، و دیگری ساخت شهرکهای اقماری مستقل. عامل مهمی چون احداث باروی غازی و تعیین محدوده آن، موجب شناخت هرچه بهتر گستره مورد پیشبینی ایلخانان جهت توسعه آتی شهر تبریز بود. محدوده به دست آمده قسمت عمده ای از مساحت تبریز کنونی را شامل و از محدوده شهر دوره قاجار فراتر است. ساخت چنین بارویی متضمن توسعه شهر به سمت شرق در مسیر جاده ری می باشد.

بر اساس مطالب آمده، روند توسعه شهری طی شهرسازی ایلخانی را می توان متأثر از جریان های سیاسی، اجتماعی، مذهبی، اقتصادی و فرهنگی موجود در گستره وسیع تحت سلطه ایلخانان طی قرن هفتم هجری/ سیزدهم میلادی دانست. افول و انهدام یکباره حیات در برخی از شهرهای خراسان و مرکز ایران بر اثر حملات مغول در اوایل قرن هفتم، و رشد مجدد و توسعه و رونق برخی دیگر از شهرها در اواسط و اواخر همان قرن، نشانگر تحولاتی مهم در عرصه پذیرش مدنیت از سوی ایلخانان است. در این دوره با تحقق یافتن مواردی چون استقلال ایلخانان، احساس نیاز به قدرت مرکزی جهت تثبیت حکومت، حضور دیوان-سالاران در امر توسعه و عمران شهری، گرایش به ساخت شهر سلطنتی، توسعه شهر به محدوده خارج بارو به شکل محلات بیرونی شهر، تعدد مجموعه های موقوفه جهت رفاه ساکنین، موجب شکل گیری اصول شهرسازی ایلخانی شد. ساخت شهرها و شهرک های جدید بنابر عوامل فرهنگی و اقتصادی تابع دو گونه ی شهر- واحه ی سنتی مورد نظر دیوان سالاران و شهر- مرتع مورد قبول ایلخانان بود.

شهر تبریز طی این دوره در بطن سیاست های شهرسازی ایلخانان

پی نوشت:

- یاسای چنگیزی مجموعه قواعد و مقرراتی که چنگیز وضع کرده و به نام او سلاطین مغولی مجری آن بودند (لغتنامه دهخدا، یاسا). یاسای چنگیز مغولان را ملزم می کرد زندگی صحراگردی پیشه کنند، نه در جایی ثابت بمانند و نه در شهرها سکونت گزینند، (پطروشفسکی، ۱۳۶۶: ۴۶۴).

- فتوت شاطری و عیاری در عصر سلجوقی با مقاومت شدید مواجه شد و به سبب قتل و نهب و اخلال و فساد که می کردند کم کم فتوت به پرهیزگاری و دینداری گرایید و اجتماعات فتیان سزی شد، در حقیقت صوفیه به تنزیه و تصفیه آن پرداخت (لغتنامه دهخدا، فتوت). آنها اساساً صنعتگرانی بودند که خدمات عمومی را بر عهده داشتند. طی قرن هفتم آنها به صنف و انجمنی گرویده بودند و این امر اهمیت شان را بنا بر نقش مذهبی زوایا، بر فعالیت های اجتماعی و سیاسی انتقال داده بود (Akin, 1995 : 67).

- شمن (šaman) کلمه ای ترکی است که در پهنه فرهنگهای ترک - مغول و تونگوسی (Tungusic) واقع در سیبری باستان رواج داشته است (ویکیپدیا، شمنیزم). در مردم شناسی، شمنیزم پدیده ای باستانی و شبه جادویی است که شمن دارای توانائی ترک بدن فیزیکی خود و ورود به عالم خلسه است. شمنیزم نوعی تجربه روحانی و معنوی است. محققین سابقه آن را چهارهزار سال می دانند و اعتقاد دارند کهنترین تکنیک شفا در بین مردم بوده است.

4. Tent - city

5. Çifte Minaret Madrasa in Sivas, 1271

6. Çifte Minaret Madrasa in Erzurum, 1290-1285

7. City - Oasis

8. City - Pasture

۹. رواد بن مثنی در زمان خلافت منصور عباسی (۱۵۸-۱۳۶ه.ق.)، حدود سال ۱۴۱ه.ق، به همراه دیگر یمنیان از بصره به آذربایجان کوچانده شد و توسط والی آذربایجان حکومت منطقه به رواد از قبیله ازد سپرده شد. رواد دارای سه پسر به نام های وجنا، محمد و یحیی بود. دوره حکومت این خاندان بر آذربایجان، در سال ۲۳۵ه.ق با عزل یحیی بن رواد از حکومت تبریز به فرمان متوکل عباسی (۲۴۷-۲۳۲ه.ق) خاتمه می یابد، (کسروی، ۱۳۷۹: ۴-۱۵۲).

۱۰. در تاریخ وصاف محیط باروی غازانی پنجاه و چهار هزار خطوه قریب چهار فرسنگ و نیم آمده است. از آنجا که هر فرسنگ برابر ۱۲۰۰۰ ذراع است، در نتیجه ۴/۵ فرسنگ برابر با ۵۴۰۰۰ ذراع می باشد. احتمالاً وصاف طول خطوه را برابر با یک ذراع گرفته است. چنانچه هر ذراع را ۴۸ سانتیمتر در نظر بگیریم، طول بارو ۲۵۹۲۰ متر می شود که تقریباً ۲۶ کیلومتر بوده و با سخن حمدالله مستوفی همخوانی دارد.

فهرست منابع:

- آیتی، عبدالمحمد (۱۳۸۳) تحریر تاریخ وصاف، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله (۱۳۷۶)، تألیف: ۷۵۷ه.ق) سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمد علی موحد، آگه، تهران.
- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد (۱۳۶۶)، تألیف: ۳۵۹ه.ق.) سفرنامه ابن حوقل (ایران در صوره الارض)، ترجمه جعفر شعار، امیرکبیر، تهران.
- ابومجد تبریزی، محمد بن مسعود (۱۳۸۱)، کتابت: ۳-۷۲۱ه.ق.) سفینه تبریز، چاپ عکسی از روی نسخه خطی کتابخانه شورای اسلامی، مقدمه عبدالحسین حائری و نصرالله پورجوادی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- اشیپور، برتولد (۱۳۸۶) تاریخ مغول در ایران: سیاست، حکومت، و فرهنگ دوره ایلخانان، ترجمه محمود میرآفتاب، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- افشار، ایرج (۱۳۵۴) وقفیه ابواب البرّ خواجه شیخ غیاث‌الدین محمد کججی (تألیف: ۷۸۲ه.ق.)، فرهنگ ایران زمین، جلد بیست و یکم، تهران، صص: ۲۰۰-۱۶۹.
- باسانی، آلساندرو، (۱۳۶۶) دین در عهد مغول، تاریخ کمبریج ایران، جلد پنجم: از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان، گردآورنده: بویل، جی.آ، ترجمه حسن انوشه، انتشارات امیرکبیر، تهران، صص ۲۰-۵۱۱.
- بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۳۳۷)، تألیف: ۲۶۵ه.ق.) فتوح البلدان، ترجمه: محمد توکل. نشر نقره، تهران.
- بیانی، شیرین (اسلامی ندوشن) (۱۳۸۱) دین و دولت در ایران عهد مغول، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- پطروشفسکی، آی. پی. (۱۳۶۶) اوضاع اجتماعی - اقتصادی ایران در دوره ایلخانان، تاریخ کمبریج ایران، جلد پنجم: از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان، گردآورنده: بویل، جی.آ، ترجمه حسن انوشه، انتشارات امیرکبیر، تهران، صص ۵۰۹-۴۵۵.
- تهرانی (فخاری)، ف.، پارسی، ف. و بانی مسعود، ا. (۱۳۸۵) بازخوانی نقشه های تاریخی شهر تبریز، وزارت مسکن و شهرسازی، شرکت عمران و بهسازی شهری ایران «مادر تخصصی»، شرکت عمران و مسکن سازان شمال غرب، تهران.
- جعفرپور ناصر، ساناز (۱۳۸۹) طرح احیاء و باززنده سازی میدان صاحب الامر تبریز به عنوان فضای شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
- حافظ ابرو، عبدالله (۱۳۸۰)، تألیف: ۸۳۰ه.ق.)، ذبده التواریخ، چهار جلد، تصحیح کمال حاج سیدجوادی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- حشری انصاری تبریزی، محمد امین (۱۳۷۱)، تألیف: ۱۰۱۱ه.ق.)، روضه اطهار: مزارات متبرکه و محلات قدیمی تبریز و توابع، تصحیح عزیز دولت آبادی، نشر ستوده، تبریز.
- حمدالله مستوفی، حمدالله بن ابی بکر (۱۳۸۱)، تألیف: ۷۴۰ه.ق.) نزهة القلوب، به تصحیح محمد دبیرسیاکی، نشر حدیث امروز، قزوین.
- رضوی، سید ابوالفضل (۱۳۸۷) ساختار حیات شهری در عصر ایلخانان، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۲۳، خانه کتاب، تهران، صص ۱۷-۴.
- سعیدنیا، احمد (۱۳۸۱) بازآفرینی شهرستان رشیدی، هنرهای زیبا، شماره ۱۱، پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران، صص ۴۰-۲۹.
- شاردن، ژان (۱۳۴۵) سیاحتنامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، امیرکبیر، تهران.
- فضل الله همدانی، رشیدالدین (۱۳۵۶)، تألیف: ۷۰۹ه.ق.) وقفنامه ربع رشیدی: الوقفیة الرشیدیة بخط الواقف فی بیان شرائط امور الوقف و المصارف، چاپ حروفی از روی نسخه اصل، به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار، انتشارات انجمن آثار ملی تهران.
- فضل الله همدانی، رشیدالدین (۱۳۷۳)، تألیف: ۷۱۰-۷۰۲ه.ق.) جامع التواریخ، تصحیح محمد روشن و مصطفی موسوی، البرز، تهران.

- فضل الله همدانی، رشیدالدین (۱۹۴۰) تاریخ مبارک غازانی، داستان غازان خان، تصحیح کارل یان، نشر استفن اوستین، هرتفورد انگلستان.
- قبادیانی مروزی، ناصر خسرو (۱۳۶۳، تألیف: ۴۴۴.ه.ق.) سفرنامه، به کوشش: محمد دبیرسیاقی، زوار، تهران.
- کربلائئ تبریزی، حافظ حسین (۱۳۸۳، تألیف: ۹۷۵.ه.ق.)، روضات الجنان و جنات الجنان، تصحیح جعفر سلطان القرائی، ستوده، تبریز.
- کسروی، احمد (۱۳۷۹) شهریاران گمنام، نشر نگاه، تهران.
- مسکویه، احمد بن محمد. (۱۳۶۹، تألیف: ۳۷۵.ه.ق.) تجارب الامم ترجمه: علی نقی منزوی و ابوالقاسم امامی، نشر سروش، تهران.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۵۲) تاریخ تبریز تا پایان قرن نوزدهم هجری، انجمن آثار ملی، تهران.
- ویلبر، دونالد ن. (۱۳۶۵) معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، ترجمه عبدالله فریار، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

- Akin, Günkut (1995), "The Müezzīn Mahfilī and Pool of the Selimiye Mosque in Edirne", *Muqarnas*, Vol. 12, BRILL, Harvard University and MIT, Cambridge, Massachusetts, pp. 83-63.
- Blair, Sheila S. (1993), "The Ilkhanid Palace", *Ars Orientalis*, Vol. 23, Pre-Modern Islamic Palaces, Freer Gallery of Art, The Smithsonian Institution and Department of the History of Art, University of Michigan, Michigan, pp. 248-239.
- Blair, Sheila S. (1984), "Ilkhanid Architecture and Society: An Analysis of the Endowment Deed of the Rab' -i Rashīdī", *Iran*, Vol. 22, British Institute of Persian Studies, London, pp. 90-67.
- Lane, George (2003), *Early Mongol Rule in Thirteenth Century Iran: a Persian Renaissance*, Routledge, London, p: back cover.
- Mekking, A.J.J. (2009), *The Global Built Environment as A Representation of Realities: Why and how Architecture Should be Subject of Worldwide Comparison*, Amsterdam University Press, Amsterdam.
- Sinclair, T. A. (1989), *Eastern Turkey: An Architectural and Archaeological Survey*, The Pindar Press, London.
- Wolper, Ethel S. (1995), "The Politics of Patronage: Political Change and the Construction of Dervish Lodges in Sivas", *Muqarnas*, Vol. 12, BRILL, Harvard University and MIT, Cambridge, Massachusetts, pp. 47-39.

<http://www.loghatnaameh.com>

<http://en.wikipedia.org/wiki/Shamanism>

لغت نامه دهخدا (مرداد ۱۳۸۹) بنیاد لغات نامه دهخدا، تهران:

ویکیپدیا (اوت ۲۰۱۰) شمنیزم، موسسه بنیاد ویکیپدیا: